

بررسی جامعه‌شناختی - هنری دوبیتیهای فایز

دکتر علی محمد مؤذنی^۱

علی حسن‌زاده^۲

چکیده

دوبیتی از مردمی‌ترین قالبهای شعری فارسی است. یکی از راه‌های شناخت روحیات مردم هر منطقه، مطالعه و بررسی فولکلور آن منطقه میباشد. فایزدشتی یکی از دوبیتی‌سرایان محبوب مردم جنوب است که باید سر این محبوبیت را در منعکس نمودن عناصر فرهنگ بومی و سخن‌گفتن از آلام و آمال آنان دانست. نوشتار حاضر بر آن است تا تأثیر متقابل فرهنگ بومی جنوب و دوبیتیهای فایز را بیان نماید؛ از اینرو شباهت و اختلاف روایت دوبیتیا و عناصر معنوی و مادی فرهنگ مردم را مورد بررسی قرار داده است. محبوبیت فایز نزد مردم و همچنین عقاید و باورهای ویژه مردمی، موجب تبدیل شدن وی به یک اسطوره مردمی گردیده و مردم جهت تبیین هنر شاعری او به افسانه‌سرایایی دست زده‌اند. فایز شاعری مردمی است که در خلال دوبیتیهایش از امثال و حکم رایج بهره برده است و مردم نیز اشعار وی را در فرهنگ خود وارد کرده‌اند. بسیاری از دوبیتیا در آوای شروه مردم جنوب و لالایی‌های آنها ماندگار شده‌اند. فایز شاعری روستایی است که تصاویر شعرش را از محیط زندگی خود میگیرد. این تصاویر بیانگر حال و هوای خاص روستاهای شهرستانهای دشتی، دشتستان و تنگستان است.

مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های تخصصی جامعه‌شناسی است که در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و در قرن بیستم با اندیشه‌ها و آثار فیلسوف مجارستانی، جورج لوکاج، به نقطه عطف خود رسید. کوهلر، گلدمن و میخائیل باختین نیز در شکلگیری و رشد آن سهیم بودند. هر چند شاعران و نویسندگان، بعنوان فرد، دیدگاه‌ها و احساسات شخصی خود را در آثارشان میریزند و آثار هر شاعر و نویسنده، نتیجه نوع نگرش و احساس یک فرد معین است، با اینهمه، اگر در نظر آوریم که شاعران نیز همچون سایر انسانها موجوداتی اجتماعی هستند و از بدو تولد در میان جمع زیسته و بالیده و با اجتماع خود در تعامل بوده‌اند، هرگز آنها را بعنوان افراد مستقل با دیدگاه‌های منفرد، در نظر نخواهیم آورد. هنرمندان در حقیقت عصاره اندیشه، احساس و فرهنگ جامعه را در آثار خود انعکاس میدهند (پارسانسب، ۱۳۹۲: ۱۸). ادبیات عامیانه همواره کارکردهای اجتماعی مهمی دارد. این میراث فرهنگی پر ارزش ارتباط مستقیمی با اجتماع و شرایط آن دارد؛ باید شرایطی حاکم باشد که این نوع ادبی تولید، اشاعه و نگهداری گردد. ادبیات عامیانه با شکلهای مختلف و چند بعدی خود با دیگر عناصر زندگی هر قوم ارتباط متقابل دارد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ ادبیات عامیانه؛ فایز؛ فرهنگ مردم؛ دوبیتی

ادبیات عامه از جمله عناصر معنوی فرهنگ عامه بشمار میرود و شامل مجموعه‌یی از آثار روایی و غیرروایی منظوم و منثور میشود که اغلب بشکل شفاهی است و از حیث ساختار و محتوا با ادبیات سنتی مکتوب فارسی متفاوت است. مخاطبان آن مردم عادی هستند؛ البته خواص هم از این ادبیات بهره میبرند، اما در ساخت و تولید روایتها تازه و اشاعه، غلبه با مردم

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)؛

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در فولکلور جنوب و بخصوص منطقه دشتی بوشهر، زایر محمد علی متخلص به «فایز» میباشد. این شاعر دوبیتی‌سرای عهد قاجار، در سال ۱۲۵۰ هـ.ق در روستای کردوان از توابع شهرستان دشتی (خورموج) استان بوشهر متولد شد. وی تحصیلات اولیه خود را در مکتب‌خانه‌ها و نزد آموزگاران محلی سپری کرد و چهار سال نیز در شهر نجف‌اشرف تحصیلات دینی خود را با مساعدت برادرش، رئیس خلف، ادامه داد. فایز باقی عمر خود را در زادگاهش و از طریق کشاورزی و دامداری و اواخر در روستای گذرداز دشتی گذراند. وی در سال ۱۳۳۰ هـ.ق بدرود حیات گفت و بنا به وصیتش در شهر نجف‌اشرف مدفون گردید. دوبیتی‌های فایز بازتاب فرهنگ بومی جنوب است.

نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که علاقه عامه مردم به فایز، کاربرد دوبیتی در آوای شروه و نقل شفاهی دوبیتی‌ها موجب گردیده ترانه‌های فراوانی به فایز نسبت داده شود. ارزش اصلی و واقعی این دوبیتی‌ها، همان تجلی فرهنگ بومی و افکار و عقاید مردمی است که به دور از غوغای شهرنشینی، با طبیعت انس گرفته‌اند و با سختی‌ها و مرارت‌ها دست و پنجه نرم کرده‌اند. سادگی و لطافت این دوبیتی‌ها از این رهگذر است. این دوبیتی‌ها «از لحاظ حال و لطف طبیعی و شناختن عادات و حالات و تصوّرات و تعبیرات مردم بیابان و از نظر لغت و لهجه و سایر خصوصیات که مربوط به فن مردم‌شناسی است، دارای کمال اهمیّت است» (بهار، ۱۳۷۱: ۱۳۲). فایز مانند هر شاعر دیگری در سرودن دوبیتی‌هایش از محیط فرهنگی و اقلیمی خود تأثیر پذیرفته است. «امتیاز یگانه این ترانه‌ها «مردمی بومی» بودن آنهاست. بخش قابل توجهی از این اشعار بگونه‌ی است که گویا سراینده، دنیا را سامان دشتستان و تنگستان دانسته و با توجه به همین دنیای کوچک خود و فقط برای همین دنیا سروده، طوری که فهم کامل و دقیق آنها خارج از حوزه سامان بوشهر یا اصلاً میسر نیست و یا با اشکال مقدور میشود» (صغیری، ۱۳۷۰: ۲۷). «اگر ارزشی برای فایز قایل باشیم از همین رهگذر است. شعر او بازتاب فرهنگ زمان و دبار اوست» (آتشی، ۱۳۵۲: ۹۷).

است. به ادبیات عامه، ادبیات شفاهی نیز می‌گویند که در مقابل ادبیات مکتوب است؛ زیرا کمتر به کتابت درمی‌آید و اشاعه آن بصورت شفاهی و سینه به سینه است. گاه به توسعه ادبیات عامه را معادل فرهنگ عامه قرار میدهند؛ اما مراد از ادب عامه تنها آن بخش از فرهنگ عامه، است که محصول ذوق مردمان لطیف طبع و بیان احساسات آنهاست (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۴). منظور از ادبیات منظوم عامه، اشعار و ترانه‌هایی است که شاعران محلی و اغلب گمنام یا شاعران ملی با همان زبان عامه و اغلب در قالب دوبیتی سروده‌اند. مخاطب اینگونه اشعار روستاییان هستند. اشعار عامیانه از روح و ذوق ساده و بی‌پیرایه روستاییان سرچشمه میگردد و با سادگی و بدون تکلف و تصنع معمول در ادب رسمی، بیانگر افکار، باورها، ارزشها، شیوه زندگی، کار، مسکن و تمام آنچه مربوط به زندگی مادی و معنوی عامه است، میباشد. «هنر عوام خصلت جمعی دارد، زاده تنی واحد نیست. از حوادث مشترک زندگی مردم ناشی میشود. از نسلی به نسلی میرسد، پخته و پرداخته میگردد و در جریان انتقال، موافق مقتضیات نسلها دگرگونی میپذیرد» (آریان‌پور، ۱۳۵۴: ۹۶). مطالعه و پژوهش در ادبیات عامیانه میتواند راهگشای جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرهنگی و اجتماعی باشد. «دوبیتی‌ها را غالباً خود مردم (نه شاعران رسمی) از روی نیاز روحی سروده و در آن آمال خویش و زندگی و محیط خود و بطور کلی خویشتن خویش را با زبان مردم بیان کرده‌اند و این از نظر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی حائز کمال اهمیت است. از نظر زبان‌شناسی نیز مطالعه در لهجه‌ها و تبلور آنها و پیوندشان بر مبنای فهلویات، بسیار پر ثمر خواهد بود. دو بیت‌ها گاهی مشکلات متون قدیم را حل میکنند؛ زیرا در آنها به آداب و رسوم مردم قدیم اشاره شده است» (شمیسا(ب)، ۱۳۷۴: ۳۷۰).

هر گاه فرهنگ ادبی معاصر ما از ارثیه غنی گذشته خود و از چشمه‌های فیاض فرهنگ جهانی و زمینه سرشار فولکلور بهره گیرد و مسئولیت و رسالت تاریخی خود را از نظر دور ندارد، خواهد توانست، موفق شود. بی‌اعتنایی به فرهنگ کلاسیک ما، بی‌خبری از فرهنگ پرتنوع جهان، بی‌بهرگی از فولکلور غنی ایرانی، بی‌توجهی به هدفهای یک هنر پویا در عصر طوفانی ما نمیتواند موجب سترونی و نازایی هنر و سقوط آن، در شکل‌گرایی انحطاطی و مضامین پوچ نشود (راوندی، ۱۳۷۴: ۵۰۹).

مردم بر شاعر مردمی جنوب و تأثیرپذیری شاعر مردمی از فرهنگ محیط خود میباشد.

روش کار

جهت بدست آوردن تمامی دوبیتیهای منسوب به فایز که در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری گردیده است، دوبیتها از هفت مجموعه مورد بررسی قرار گرفت و دوبیتیهای تکراری حذف گردید و در نهایت تعداد ۶۹۰ دوبیتی بدست آمد؛ به این معنی که تمام دوبیتیهای منسوب به فایز در مجموعه‌های مختلف، از همین تعداد دوبیتی گزینش شده‌اند. در گام بعدی دوبیتها از نظر یکسانی یا اختلاف روایت بررسی و طبقه‌بندی گردید. در نهایت نیز عناصر فرهنگ بومی در دو دسته فرهنگ معنوی و مادی استخراج گردید.

آمیختگی دوبیتیهای فایز با دیگر ترانه‌ها

شماره‌ای از دوبیتیهایی که در مجموعه‌های منتسب به فایز به چاپ رسیده‌اند، با اندک اختلافاتی و در مواردی بدون هیچگونه تغییری در مجموعه‌هایی با عنوان ترانه‌های محلی یا فرهنگ عامه یک منطقه خاص آورده شده‌اند.

- فرهنگ مردم کرمان

دو بیتیهایی زیر در کتاب فرهنگ مردم کرمان از دی. ال. آر. لریمر بکوشش فریدون وهمن آمده است.
سر راهم دو تا شد وای بر من

رفیق از من جدا شد وای بر من

رفیق از من جدا شد رفت به غربت

به غربت آشنا شد وای بر من

(لریمر، ۱۳۵۳: ۷۲)

سر راهم دو تا شد وای بر من

رفیق از من جدا شد وای بر من

جدا شد از من آن دلدار فایز

به غربت آشنا شد وای بر من

(زنگویی، ۱۳۷۵: ۱۹۴)

همچنین شش مورد دیگر میتوان برشمرد (ر.ک: لریمر،

۱۳۵۳: ۷۲-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱).

در این نوشتار به بررسی دوبیتیهای منسوب به فایز از منظر مردم‌شناسی و تأثیر متقابل این دوبیتها و فرهنگ مردم بر یکدیگر میپردازیم و همچنین آمیختگی دوبیتیهای فایز با ترانه‌های مناطق مختلف ایران و نقش مردم در اشاعه یا بازآفرینی دوبیتها را از نظر میگردانیم؛ چرا که فرهنگ محلی و مردمی و بهره‌گیری از آن، در ساخت فرهنگ کلی ما تأثیر شایسته دارد.

سابقه تحقیق

قدیمترین مأخذی که به تأثیر متقابل فایز و فرهنگ مردم جنوب اشاره دارد، سفرنامه *مغاص اللئالی و منار اللیالی*، تألیف محمدعلی خان سدیدالسلطنه بندرعباسی است که در سال ۱۳۳۴ هـ.ق در بوشهر نگاشته شده است. وی در خصوص فرهنگ و رسوم مردم بوشهر مطالبی دارد و دربارهٔ مکتب فرستادن کودکان چنین مینویسد:

اطفال چون هشت ساله شوند به مکتب گذارند بدو *آقرآن مجید* به او یاد دهند، بدون معنی، پس قصص گربه و موش و خاله سوسکه و امثال آن آموزند. پس *دیوان حافظ* خوانند. پس از آن هرگاه صلاح ورزند *شاهنامه فردوسی*، هرگاه اهل منبر باشند، کتاب *مختار و جوهری* خوانند و آن دو کتاب را باید از برکنند. اگر پدر مایل نظم است، *کلیات سعدی* و اگر مورخ است، *مجلدات ناسخ التواریخ* به او یاد دهند. حال در بدایت رباعیات «فایز» هم بیاموزند، بیشتر آموزگاران مایل به *شاهنامه* باشند» (سدیدالسلطنه بندرعباسی، ۱۳۷۱: ۲۶).

تنها پژوهشی که به موضوع فرهنگ مردم- البته بطور مختصر- در ترانه‌های فایز پرداخته است، مربوط به عبدالحسین احمدی ریشهری در اثری با عنوان *دمی با فایز است که در سال ۱۳۸۰ توسط چاپخانه ولی عصر بوشهر منتشر گردیده و در کنار دیگر مباحث، به چند ضرب‌المثل مردمی پرداخته است. گردآورندگان دوبیتیهای فایز به موضوع فرهنگ عامه و فولکلور جنوب در ترانه‌های فایز نپرداخته‌اند. با توجه به اهمیت مسائل مردم‌شناسی و تأثیر فولکلور برجریان کلی ادبیات هر دوره، پرداختن به این موضوع، ضروری مینماید. هدف پژوهش حاضر، تبیین بازتاب فرهنگ عامه مردم جنوب، بخصوص مردم منطقه دشتی و تأثیر متقابل فرهنگ*

است. روی هم رفته، پریان در این روایات دارای منشی مبهم و ناروشن و سرشتی بویژه شرور و بد خواهند و گاهی بصورت زنانی جذاب و فریبنده ظاهر میشوند و مردان را میفریبند؛ زیرا هر لحظه قادرند خود را بشکلی درآورند. مطابق روایات کهن جمشید و ضحاک و سلیمان، دیوان و پریان را زیر فرمان خود داشتند. در قصه‌های عامیانه، اغلب قهرمان داستان با دختر شاه پریان ارتباط پیدا میکند و بالأخره با عبور از موانع دشوار و کشتن ازدها، پری محبوب خود را بدست می‌آورد. در ادبیات فارسی و از آن جمله شاهنامه که خود بر فرهنگ کهن ایرانی استوار است. پری مظهر لطافت و کمال و زیبایی و مشبه به جمال تصور شده است و گاه سیمایی همچون فرشتگان یافته است (باحقی، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

موجود متوهم صاحب پر (۴) که اصلش از آتش است و به چشم نیاید و غالباً نیکوکار است به عکس دیو که بدکار باشد. بی آنکه به خانه‌ها زیاد رفت و آمد کنند میتوانند گاهی بشکل زن درآیند و نقش زن را ایفا کنند؛ یعنی تسلیم مرد شوند. تعداد پریان زیاد است و همگی از شاهی اطاعت میکنند (شاملو، ۱۳۷۸: ۴۱۹).

پری در ترانه‌های فایز

در ترانه‌های فایز در هشت دو بیت بی‌بصراحت درباره پری سخن رفته است ولی با این حال، از دیدگاه عامه تمام دو بیتیهای فایز متأثر از عشق مجنون‌وار فایز به پری است و در واقع همان عشق فایز به پری، انگیزه سرودن تمام دو بیتیهاست.

دیدار با پری و ربودن دل و دین او

خداوندا دلم از دین بری شد
اسیر دام زلف آن پری شد
پری دید و پریشان گشت فایز
پری راهر که دید از دین بری شد
(زنگویی، ۱۳۷۵: ۱۴۷)

جدایی و فراق پری

نه یادم میکنی نه میروی یاد
عجب نبود کنی فایز فراموش
به خیری باد یادت ای پریزاد
فراموشی است رسم آدمیزاد
(همان: ۱۴۵)

دهخدا: «موجود متوهم صاحب پر که اصلش از آتش است و به چشم نیاید و غالباً نیکوکار است. بعکس دیو که بدکار باشد. فرشته، مقابل دیو. همزاد، جان، جن خافیه خافیه خندله (منتهی‌الرب) نوعی از زنان جن که نهایت خوبرو باشند (غیث‌الغات) بعضی از ثقلات جن و انس باشد» (دهخدا: ۱۳۵۲، ذیل پری).

«پری جنس مؤنث از پیروان اهریمن است. در اوستا بصورت پائیریکا^۱ و در پهلوی، پریگ^۲ و در فارسی پری گفته میشود. پری را اهریمن، برای گمراهی مزدیسنا گمارد تا آنان را از انجام کارهای نیک باز دارد. پری بر ضد زمین، گیاه، آب، آتش و ستوران هستند و بشکل ستاره دنباله‌دار با تشر، ایزد باران، ستیزه میکند (یشتها ۱/۱۴، ۳۴۳) بگفته وندیداد، هفتمین کشوری که اهورامزدا آفرید، واکرته^۳ کابل، است که اهریمن خنثی‌تی^۴ پری را که به گرشاسب وابسته بود، در آنجا پدید آورد. در همین کتاب آمده که زرتشت به اهریمن میگوید: خنثی‌تی، پری و دیوناسو را نابود خواهد کرد. در گزیده‌های زادسپرم در داستان گاو مرزیاب، پری به پیکر سگ درمی‌آید و ثریت^۵ تیری به او می‌اندازد و آن دو تا میشود و در اثر ادامه تیراندازی، تعداد سگها به هزار رسیده. سپس سگها به ثریت حمله نموده و او را میکشند (اساطیر ایران ۱۵۲) یکی دیگر از پریها که در اوستا از آن سخن رفته، دژ یائیری^۶ یا دیو قحطی و خشکسالی است که تشر این پری را با زنجیرهای ناگسستنی به بند میکشد (یشتها ۱/۳۶۷)» (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۶۹).

چنانکه از روایات کهن برمی‌آید، پری وجودش لطیف و جمیل که اصلش از آتش است و با چشم دیده نمیشود و بواسطه زیبایی فوق‌العاده آدمی را میفریبد. اما گاهی در روایات کهن و منجمله برخی قسمت‌های اوستا (یشتها ۱/۱۴) پری جنس مؤنث دیوان است که از طرف اهریمن گماشته شده و جزء لشکر او، بر ضد زمین و گیاه و آب و ستور در کار

1. Parika
2. Parig
3. Vaekereta
4. Xna@arti
5. Ørit
6. Duzyairya

کس پری را ببیند باید طوری به پری نزدیک شود که متوجه نشود و باید او را محکم بگیرد و رها نکند تا به او بهره بدهد؛ مثلاً پری تار مویی بعنوان ضمانت بهره به او میدهد و شخص یافته میتواند با آن، بعضی از امراض - مانند افراد جن‌زده - را شفا دهد.

۲. حاصل ازدواج فایز با پری دو پسر و یک دختر بوده است؛ یکی برای فایز و دیگری برای پری و سوومی را دو قسمت میکنند؛ یک قسمت برای فایز، یک قسمت برای پری؛ قسمت فایز از بین می‌رود ولی قسمت پری به حالت اول درمی‌آید و نصیب پری میشود.

۳. افراد ترسو و بزهره^۱ نمیتوانند پری را ببینند. پری خود را بر افراد ترسو نمایان نمیکند، مبادا زهره‌ترک شوند و از ترس بمیرند و خوششان به گردن پری بیفتد.

۴. پری با دست به سینه یا پشت فایز زد، به او بهره داد و سینه‌اش را پراز شعر کرد.

۵. هر کس دوبیتی‌های فایز را زیاد بخواند، جلای وطن خواهد کرد.

۶. هر کس همیشه دوبیتی‌های فایز را بخواند و ورد زبان‌ش باشد «فکرو» میشود. «فکرو»، نوعی حالت افسردگی است که فرد همیشه در حالت فکر و سکوت است و نسبت به زندگی‌اش بی‌تفاوت میباشد.

۷. اجنه بیشتر در درخت کهور و گز و ویرانه‌ها زندگی میکنند.

۸. زنی که باردار است انگشتی به نام انگشتی «آل» به انگشت میکند، مبادا «آل» او را اذیت کند و باعث مرگش گردد.

۹. هنگام ریختن آب در شب، باید «بسم الله» گفت، مبادا روی اجنه بریزد و آنها انتقام بگیرند.

۱۰. اگر جن کسی را بزند، جای پنج انگشتش در پشت فرد جن زده پیدا است.

۱۱. برای افراد جن زده دعا مینویسند.

۱۲. پریها از «زنها» بدشان می‌آید.

۱۳. پریها را فقط میتوان در کنار چشمه یا رود دید.

۱۴. جن و پری از آهن و نمک می‌ترسند.

بعلاوه، در این ترکیبات چنانکه یک طرف آن پری باشد نیز آمده‌است: پری روشش بار پری رخسار سه بار-پری پیکر دو بار پری رخ یکبار و پری آیین یکبار.

روایات و باورهای مردمی پیرامون رابطه عاشقانه فایز و پری (fairy tale)

در منطقه دشتی داستانهای فراوانی درباره رابطه فایز و پری وجود دارد. زندگی فایز دو گونه است: گونه‌یی مانند مردم عادی دشتی و گونه‌یی دیگر، زندگی توأم با افسانه و عشقی آتشین نسبت به پری.

پری در ادبیات عامیانه و فولکلوریک جنوب ایران جایگاه زیباپسندانه و مقبولیت اندیشگی یافته است. چشمه‌های روشن و رودهای پر خروش آب، جایگاه این باورهای زیبای ذهن و احساس زنان و مردان گشته است و همه متفق القولند که «پریها» هستند و زیبایند و آبشخور زندگی آنان هم چشمه‌های زلال و رودهای همیشه جاری، زیر آفتاب تابان سرزمین ایران است و مردم جنوب ایران بیشترین سهم را از جلوه‌های جادویی این پریان دیده‌اند (مهرافراز، ۱۳۷۱: ۷).

در مورد بعضی از دوبیتی‌سرایان نیز نزد عامه، داستانهای افسانه‌گون از این قبیل وجود دارد. محیا که از عارفان بنام و جزو اولیاءالله و اهل کشف و کرامات بوده است، می‌گویند که زن «پری» داشته و به خانه پریان رفت و آمد میکرده و بین آنها انس و الفت و مصاحبت و همنشینی برقرار بوده است «(حبیبی، ۱۳۷۷: ۷۶).

همچنین در مورد دوبیتی‌سرایانی چون حسینا که معشوقی به نام دلارا دارد و نیز باقر لاری که معشوقش گلندام است و مهدی شاعر که معشوقی با نام نسا دارد نیز داستانهای عاشقانه ساخته‌اند.

برخی روایات و باورهای مردمی پیرامون رابطه عاشقانه فایز و پری به شرح زیر است:

۱. فایز از پری بهره داشته است. «بهره»، نصیب و امتیازی است که از طرف پریان به هر کس که با آنان آشنا شود، عطا میشود. این امتیاز پاداش آشنایی با آنان است. می‌گویند هر

دیدگاه محققان درباره پری

علت و انگیزه این افسانه‌پردازها به عوامل مختلفی بر میگردد. محققان در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی دارند:

این افسانه‌پردازها ریشه در شدت علاقه مردم به هنرمندانی دارد که از میان خودشان جوشیده‌اند و این از اختصاصات فایز دشتستانی نیست. زندگی بیشتر قهرمانان محبوب مردم در حاله‌یی از این افسانه‌ها پوشیده است. بیان آرمانها و سوز و گدازهای مردم است که آنها را در زندگی قهرمانان محبوب خود تجلی میدهند (پناهی سمنانی، ۱۳۶۸: ۲۹۴).

داستانهای عامیانه چیزی نیست جز تحقق سمبولیک تمایلات و رغبت‌های سرکوب شده در نفس بشر؛ به این سبب این قصه‌ها پر از حکایت پادشاهان و قهرمانانی است که آفریده خیال بشر است و لبریز از چیزهایی است که مردم مشتاق دست یافتن به آن هستند؛ مانند گنجهای پیدا شده و ثروتهایی که ناگهان بدست می‌آید و سعادتهای شگفت‌انگیزی که بینوایان و محرومان به آن دست می‌یابند، حکایات عاشقانه در آنها نقش مهمی دارد. در همه این امور، تحقق خیالی تمایلات و شوقهای نهانی مردم حضور دارد (غریب، ۱۳۷۸: ۷۸).

به نظر هدف آنها تبیین چگونگی نیروی شاعری آنان است. به عبارت دیگر چون این شاعران از رده مردم عادی و عامی و بیسواد بوده‌اند، باید به نحوی شاعری آنان توضیح داده شود. یک قدرت متافیزیکی باید فرد عادی را به شاعری بزرگ تبدیل کند. در حقیقت تابعه یا آنیمایی باید باشد که به آنان القای شعر کند. پری (معشوق) حکم الهه شعر را دارد. آنیما^۲ تشخص طبیعت زنانه ناخودآگاه مرد و آنیموس^۳ تشخص طبیعت مردانه ناخودآگاه زن است، بدین ترتیب میتوان گفت که بخشی از وجود یک مرد، زن و بخشی از وجود یک زن مرد است. این بخش هر چند ناخودآگاه است و آدمیان به صورت معمول به آن مشعر نیستند اما در حقیقت از او فرمان میپذیرند و در بسیاری از اعمال خود تحت سیطره

او هستند. آنیما و آنیموس در رؤیاهای و تخیلات و آثار هنری و ادبی به صورت معشوق رؤیایی^۴ و عاشق رؤیایی^۵ تجلی میکند. آنیما در ادبیات با دهها نام جلوه کرده است. دانته در کمدی الهی او را بئاتریس، میلتن در بهشت گمشده، حوا، سهراب سپهری، زن شبانه موعود، خواهر تکامل خوشرنگ، حوری تکلم بدوی و غزلسرایان کهن، معشوق خیالی و معشوق جفا کار خوانده‌اند و در قصه‌های عامیانه گاهی پری خوانده شده است و شاعران عرب از جن و تابعه که به آنان القای شعر میکنند، سخن گفته‌اند (شمیسا، ۱۳۷۶: ۵۴).

«مسئله تابعه؛ یعنی جنی که به شاعر شعر القا میکرد و مسئله همزاد و عاشق شدن شاعر به پری (فائز دشتستانی) وزنی که ترجمان الاشواق را به محی الدین عربی الهام کرد، در مقوله بحث آنیما باشد» (شمیسا (الف)، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

گرچه افسانه‌ها را نمیتوان باور داشت چرا که منشاء علمی ندارند، با این حال ترجمان زبان و احساسات و آرزوها و افکار هر قوم و ملتی در آن عصر میباشند و شاید فایز گلویش جای دیگر گیر کرده بود که جرأت اظهار و بیان آن را نداشته است؛ مثلاً منظورش دختر فلان خان یا رئیس و کدخدا بوده و برای پنهان نگاه داشتن آن به چنین داستانهایی و به پری - این موجود افسانه‌یی و خیالی که ریشه در اوهام دارد - پناه برده باشد، تا خود را از نیش زبان مردم محفوظ نگاه دارد (زنگویی، ۱۳۷۵: ۶۵).

مهره دل دوستی

فایز، عفاید و رسومی را که در بین مردم جنوب رایج بوده، در دوبیتیهای خود بکار برده است:

دلا گر زار گریم بر تو شاید

که هر جا تیری آید بر تو آید

دل فایز مگر داری تو گوهر

که هر گلرخ تو را خواهد رباید

(همان: ۱۵۴)

این ابیات اشاره به این عقیده عوام دارد که مهره‌یی به نام

1. Muse
2. Anima
3. Animus

4. Deram - girl
5. Deram - lover

این دو بیتی به مناسبت جشن عروسی یکی از سادات دشتی بنام سید علی نقی دشتی سروده شده است. در جنوب، بخصوص منطقه دشتی، رسم بر این بوده است که عروس را سوار بر اسب سفید به خانه بخت میفرستادند.

دارو و درمان

سری بردار و سر بالا کن ای دوست
دل فایز چو طفل گر گرفت—
نگاهی بر دلم حالا کن ای دوست
بخوابانش کمی لالا کن ای دوست
(گورگین، ۱۳۷۱: ۵۲)

«طفل گر گرفته» به کودکی میگویند که زیاد میگرید و آرام و قرار ندارد. جهت آرام کردن کودک، دعانویسها دعایی مینوشتند، بنام دعای «گریند»، اگر گریه کودک خوب نمیشد و شدیدتر میگشت، به کودک حالت تشنج دست میداد که به آن «هفت گره‌کی» میگفتند. در اینصورت بهبودی کودک تقریباً غیرممکن بود و یا اگر بهبود می‌یافت، دچار نقص میگردد. البته اکنون به علت رعایت بهداشت و وجود امکانات، این بیماریها وجود ندارد. بیماری که به آن «هفت گره‌کی» میگفتند همان تب شدید همراه با تشنج بوده است.

دلم از عنبرین مو میگریزد
مرا در بیشه‌یی میپرورد عشق
جراحی دارد از بو میگریزد
که آنجا شیر از آهو میگریزد
(رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۳۳)

اشاره به این عقیده که بو و عطر برای زخم و جراحی خوب نیست و بهبودی آن را به تأخیر می‌اندازد؛ به همین دلیل اگر کسی جراحی یا زخمی داشت، از بکار بردن بوی خوش خودداری میکرد و یا از کسی که از عطر و بوی خوشی استفاده کرده دوری میکرد.

مهرگیا

ز هر دلبر مجو رسم وفا را
ز فایز جو وفا کز بعد مردن

مهره «دل دوستی» وجود دارد. هر کس این مهره را به همراه داشته باشد، هر که را که اراده کند به صاحب مهره علاقمند مینماید و در واقع به او دلباخته میگردد و این غیر از مهره مار میباشد.

ستاره سهیل

سهیل اندر یمن بلغار سوزد
دل عاشق ز هجر یار سوزد
سهیل اندر یمن سالی به یکبار
دل فایز دمی صد بار سوزد
(همان: ۱۴۴)

این ابیات اشاره دارد به این عقیده که ستاره سهیل، نهم برج سنبله طلوع میکند و اول بار در کشور یمن دیده میشود. چرمهایی را که میخواستند دباغی کنند، قبل از طلوع ستاره سهیل در چاهی می‌انداختند و وقتی ستاره سهیل طلوع میکرد، چرمهای اصیل و اعلاء را با روشن بودن و موج دار بودن از چرمهای بی‌ارزش و کدر جدا میکردند.

مرغ هما

همای دولت ار افتد به دامم
بر آرد استخوان از سینه فایز
جهان سگه زند از نو به نامم
که تا گردد همایون مرغ رامم
(همان: ۲۳۴)

اشاره به این عقیده اصیل و باستانی که پرنده‌یی به نام هما وجود دارد، بر دوش هر کسی بنشیند یا سایه بر هر کسی افکند، خوشبخت میگردد. غذای این پرنده استخوان است.

جشن عروسی

سوار خنگ خوش رفتارم امشب
چو سلطان حبش فایز ز شوقش
روانه جانب دلدارم امشب
جهان زیر نگین پندارم امشب
(همان: ۱۱۶)

زهر آهو مجو مشک ختا را

دمد از تربتش مهر گیا را

(زنگویی، ۱۳۷۵: ۲۲۲)

اشاره به این عقیده دارد که گیاهی به نام «مهرگیاه» وجود دارد که نشانه عشق و وفاست. هر کس عاشق و وفادار واقعی باشد از تربتش مهرگیاه میروید.

داستانهای ملی و اساطیر

دل من همچو رستم در عتابست

رقیب گر سیوز و فایز سیاوش

چو توران ملک سلم از او خرابست

فرنگیس عشق و دل افراسیابست

(همان: ۱۹۹)

این ابیات اشاره به رستم، سیاوش، فرنگیس، افراسیاب، توران، گرسیوز دارد.

دولت سایه صبح و پسین است

ستاره آسمون نقش زمین است

مخور غم فایز از بهر دولت

ستاره آسمون نقش زمین است

که دولت سایه صبح و پسین است

(بذلی، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

این اصطلاح در مورد ناپایداری دنیا بکار می‌رود.

مار بد بهتر از زن بد است

مکن خود را به یار بد گرفتار

بت بد خو زده آتش جان فایز

که من کردم پشیمانم از این کار

که مار بد بود بهتر از آن یار

(گورگین، ۱۳۷۱: ۱۴۲)

نبرد رستم و اشکبوس، هفت لشکر، بیژن و منیژه، بهمن، رودابه و رستم، خسرو و شیرین و شیخ صنعان نیز در ابیات فایز مورد اشاره قرار گرفته است (همان: ۱۴۴، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۹۲، ۲۴۰، ۲۰۵، ۲۹۴).

دل آب کردن

در اصطلاح مردم جنوب کنایه از آزار دادن کسی در حد نهایت است.

لالایی و مرثیه

مادران پای گهواره فرزندانشان برای لالایی، از دوبیتیهای فایز نیز استفاده میکنند. متأسفانه به علت ایجاد ارتباط بیشتر و از بین رفتن روحیات روستانشینی، کمتر از این دوبیتیها برای لالایی استفاده میشود.

دل نازک

کنایه از زود رنج بودن شخص میباشد.

لالایی

به شب نالم شب شبگیر نالم

بنالم چون پلنگ تیر خورده

گهی از بخت بی تدبیر نالم

گهی چون شیر در زنجیر نالم

(زنگویی، ۱۳۷۵: ۱۸۷)

صنم تا کیدل ما را کنی آب

اگر تو راست میگویی به فایز

دل نازک ندارد این قدر تاب

به بیداری بیا پیشم نه در خواب

(همان: ۱۱۷)

مرثیه

خبر آمد که دشتستان بهاره
خبر بر دلبر زارش رسانید
زمین از خون فایز لاله زاره
که فایز یک تن و دشمن هزاره
(گورگین، ۱۳۷۱: ۲۱)

توسط شروه‌خوان اجرا میشود. شعر شروه‌دوبیتی است و تنها سازی که میتواند شروه را همراهی کند، نی است» (حمیدی، ۱۳۷۵: ۱۳).

فرهنگ مادی

۱. زندگی روستایی و تلاش معاش

بانگ خروس و تعیین وقت سحر و دمیدن سپیده دم با آن

خروس امشب بداده هرزه خوانی

مگر وقت سحر امشب ندانی

اگر بی‌بیدار گردد یار فایز

به بالت تیر تا شهر رسانی

(همان: ۲۰۸)

این دو بیت در سوگ احمد خان تنگستانی سروده شده که در نبرد با انگلیسی‌های متجاوز در سال ۱۲۷۱ هـ.ق به شهادت رسید و بجای فایز در بیت، احمد گفته میشود.

در جنوب آوای شروه محبوبیت فراوانی دارد. شروه‌خوانان اشعار فایز را در این آوای غم‌انگیز سر میدهند. یکی از عوامل ماندگاری دوبیتیها، آوای شروه میباشد.

حمله گرگها به گله گوسفند و تشبیه عاشق به گرگ

شب ابر است و باران گهر بار

همین امشب برد گرگ از گله میش

سگان خاموش و در خوابند اغیار

تو هم فایز رسان خود را به دلدار

(همان: ۱۷۱)

شروه یا دوبیتی محلی که اکثراً با آوازی با متر آزاد خوانده میشود، دارای قدمت زیادی است. موطن اصلی شروه، مناطق دشتی، دشتستان و تنگستان است. در این مناطق گاهی به شروه حاجیانی و شنبه‌یی نیز گفته میشود. در گذشته ملودی شروه با مقدمه‌یی شروع میشده که متن آن شامل اشعار مولانا جلال‌الدین مولوی بوده است. این سنت هنوز در دشتستان رواج دارد. اشعاری که امروزه اکثر ترانه‌های بوشهر و اطراف آن را تشکیل میدهند، متعلق به دو شاعر محلی هستند؛ یکی زایر محمد علی معروف به فایز که در گردوان (در بخش دشتی) میزیسته است و احتمالاً در سال ۱۹۱۱ م. وفات یافته است و شاعر دوم سید بهمنیار ملقب به مفتون که او نیز در بخش دشتی (بردخون) زندگی میکرد (کوکرتز و مسعودیه، ۱۳۵۴: ۱۶).

باربری بوسیله شتر

نه من لوکم که بر پشتم زنی بار

نه من مارم که بر فرقم زنی دار

نه من بیدم کزین بادهای بلرزم

منم فایز که دارم داغ دلدار

(بذلی، ۱۳۷۸: ۳۳)

مسافرت کشتیهای بادبانی از طریق دریا

دلَم چون بیرقی اندر هوا شد

شرع برداشت رو کرده به غربت

چو کشتی که به دست ناخدا شد

خدا داند که سر منزل کجا شد

(گورگین، ۱۳۷۱: ۸۹)

«در بوشهر و دشتی و دشتستان و خوزستان شروه خوانی را فایزخوانی نیز میگویند تا جایی که اگر از کسی که ترانه‌های مفتون، باکی، نادم و باباطاهر عریان را با آهنگ شروه میخواند، پرسند: چه میخوانی؟ خواهدگفت: فایز را میخوانم» (زنگویی، ۱۳۶۴: ۸).

۲. جانوران

در این قسمت نکته‌یی که جلب توجه میکند، تشبیه زلف معشوق به مار و عقرب است. علت اینکه فایز زلف معشوق را به مار تشبیه میکند این است که بیشتر در جنوب، دختران

«شروه بر وزن مروه، آواز غمگینانه و سوزناکی است که در مایه دشتی، زیر مجموعه دستگاه شور است و بصورت منفرد

و زنان، موهای خود را به چندین قسمت تقسیم کرده و هر قسمت را میبافتند و به اصطلاح به آن «پل»^۱ می‌گفتند که از نظر شکل ظاهر بصورت مار یا دم و نیش عقرب درمی‌آمد.

مار

دو زلفانت فتاده چون سر مار
اگر خواهی که فایز بنده گردد

نمیان میکنی هر دم به دلدار

نقاب از چهره مهتاب بردار

(زنگویی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)

عقرب

به رخ جا داده‌یی زلف سیه را

که دیده عقرب جراره فایز

به کام عقرب افکندی تو مه را

زند پهلو به ماه چهارده را

(همان: ۱۱۴)

شتر

ندارم راحتی جز زجر و زحمت

دل فایز به پیری کرده پرواز

به جز خواری و دشواری و محنت

به باغ گلرخان چون اشتر مست

(همان: ۱۳۳)

پلنگ

شب ابر است و دنیا تیره تاز است
پلنگ نفس فایز سینه بر خاک

خیالم پاسبان کوی یار است

بکش جاننا که هنگام شکار است

(همان: ۱۳۰)

۳. دریا و ملائمت آن

غراب: (کشتی بزرگ)

یک اندک مجمرت بالاتر انداز

گذشتی از بر چشمان فایز

سلاسل را به گردن بهتر انداز

غراب آسا زمانی لنگر انداز

(همان: ۲۳۲)

زورق و ناخدا

مرا تن زورق است و ناخدا دل

برد فایز به ساحل یا شود غرق

در این زورق بود فرمانروا دل

ندانم میبرد ما را به کجا دل

(همان: ۱۸۰)

بندر

غراب عشق اندر بندر دل زاین

فوج عرب، غم فایز آخر

علم زد بهر فتح کشور دل

خدا داند چه آرد بر سر دل

(همان: ۱۸۰)

کشتی

غم و غصه تن و جانم گرفته

به کشتی اجل فایز سوار است

فراق یار دامانم گرفته

میان آب طوفانم گرفته

(همان: ۲۰۷)

ناخدا

ندانم در چه حالم در کجایم

رود فایز چنین راهی به ناچار

کجایم میکشاند ناخدایم

بگرد آنجا که میخواهد خدای

(همان: ۱۹۰)

نتیجه‌گیری

با بررسی تعداد ۶۹۰ دوبیتی بدست آمده که در مجموعه‌های مختلف به نام فایز منتشر گردیده است، تعداد ۷۵ دوبیتی فاقد تخلص میباشد. تعداد ۳۱۰ دوبیتی بدون اختلاف روایت نقل گردیده و تعداد ۳۸۰ دوبیتی با اختلاف روایت شده است. تعداد ۶۴ دوبیتی از دوبیتیه‌های منسوب به فایز در مجموعه دوبیتیه‌های محلی مناطق دیگر و یا دیگر شاعران دوبیتی‌سرا نیز آمده‌است.

یکی از ویژگی‌های عمده ترانه‌های محلی این است که سراینده مشخصی ندارند و بدلیل نقل شفاهی و سینه به

عمده‌یی داشته است. با توجه به اقبال مردمی در جنوب، نسبت به آوای شروه، این موسیقی موجب ماندگاری و حفظ شفاهی ترانه‌ها گردیده است. اما باید به این نکته نیز توجه کنیم که شروه‌سرایان برای کسب مقبولیت و توجه مردم، تغییراتی را در دوبیتی‌ها ایجاد کرده‌اند یا دوبیتی‌هایی را خود سروده و به شاعران دیگر نسبت داده‌اند و یا اینکه دوبیتی‌های شاعری را به نام شاعر دیگر میخوانند. تخلص ترانه‌سرایان بیشتر هم‌وزن هستند: فایز، محیا، باقر، طاهر، شیدا، نجما، شیدا، مفتون، شمس و باکی.

نکته دیگر اینکه مردم جنوب و بخصوص ساکنان دشتی و دشتستان، برای زیارت امام هشتم امام رضا (ع) مسیر شرق و مرکز ایران را با وسایل آن زمان یا پیاده طی میکردند و در آن مناطق در مسیر راه توقف مینمودند. این سفرهای زیارتی کمتر از پنج یا شش ماه بطول نمی‌انجامید. با توجه به علاقه وافر مردم این مناطق به آوای شروه، ایشان دو بیتها را در آواز شروه زمزمه میکردند و باعث جابجایی این ترانه‌ها میشدند و بمرور با ترانه‌های محلی این مناطق که خود نیز ترانه‌های محلی فراوانی به سیاق این دو بیتها بود، آمیخته شد و یا اینکه ترانه‌هایی را از این مناطق شنیده بودند با ترانه‌های فایز می‌آمیختند.

برای شناخت نسبی ترانه‌های اصلی فایز باید به ویژگی‌های زبانی دوبیتیها دقت کرد. با دقت در دوبیتیهای منسوب به فایز، در تعدادی از آنها، واژه‌های قرآنی یا عربی خاص دیده میشود که در دیگر ترانه‌های محلی بسیار اندک و یا نایاب است. در این دوبیتیها تلمیح به آیات قرآن نیز وجود دارد که در ترانه‌های محلی دیده نمیشود. همچنین اشاره به اسطوره‌های شاهنامه نیز از دیگر ویژگیهای ترانه‌های فایز است که در سایر ترانه‌های محلی بسیار اندک است.

عمده مضمونی که در دوبیتیهای منسوب به فایز به آن پرداخته میشود، عشق و خطاب و وصف معشوق است. در واقع معشوق و وصف آن، پناهگاهی است برای فراموشی سختیها، مشکلات و ناکامیها. معشوق در دوبیتی جنوب، زمینی است و نقشی که دوبیتی در جوامع روستایی جنوب دارد این است

اختلاف روایت در آن وجود دارد. در مورد فایز، ما با دو شخصیت مواجه هستیم: یکی شخصیت تاریخی فایز که دوبیتی‌سرای عهد قاجار است. البته در دیگر قالبها نیز شعر دارد. او نسبت به مردم زمانه خود بهتر می‌اندیشیده و در جامعه آن روزگار نخبه بوده است. وی توانسته با نیروی استعداد و نبوغ خویش از زمانه خود پیشتر باشد و زبان گویای زمانه خود باشد و در زمان خود مقبولیت عامه بیابد. این برتری فایز، موجب تحسین و شگفتی عامه گردیده است تا آنجا که در دیدگاه آنان، مقام فایز در حد یک قهرمان است. به این ترتیب او به قهرمان افسانه‌های مردمی تبدیل میگردد و از فایز شخصیتی افسانه‌یی ساخته میشود. این نکته نشان میدهد که تا همین سالهای اخیر هنوز شرایط بدوی و بستر مناسب جهت افسانه‌پردازی تا چه اندازه بر محیط اجتماعی دشتی و دشتستان، حکمفرما بوده است. اگرچه اکنون نیز هستند کسانی که درباره فایز همین عقاید را دارند!

شرایط سخت زندگی مردم، ناملایمات و شرایط اجتماعی حاکم موجب گردیده که مردم با دست‌آویز افسانه تا حدودی تحمل این سختیها و تلخکامیها را بر خود آسان نمایند. اعتقاد به وجود پریها و ایجاد ارتباط با انسانها در باور مردم منطقه دشتی همواره وجود داشته و جزء باورهای آنها بوده است. ایشان چون فایز را متفکر، اندیشمند و شاید کناره‌گیر میدیدند او را در ارتباط با پری دیده و دانسته‌اند و علاوه بر آن، چون از عشق و هجر مینالیده است و بعلت علاقه وافر مردم به او و نیروی شاعری اش، وی را در حاله‌یی از افسانه فرو برده و برایش نیرویی ما فوق بشری (بهره پری) قایل شده‌اند.

نکته درخور توجه این است که این علاقه و شوق مردمی به فایز، تنها در افسانه‌پردازی پیرامون زندگی وی منحصر نمانده است، بلکه این ویژگی موجب گردیده که وی نزد مردم سراینده بیشتر ترانه‌های مردمی تلقی گردد. به اینصورت که ترانه‌های دیگر شاعران به نام فایز مشهور گشته و یا صاحب‌ذوقهایی از میان خود مردم، دوبیتی‌هایی را بسرایند و به نام فایز رایج گردد.

موسیقی شروه نیز در حرکت و جابجایی دوبیتیها نقش

مناظری را که در دشت، بیابان، دریا و در زندگی روستایی جاری است، به تصویر بکشد و روستایی بودن خود را نشان دهد. در ادبیات قدیم غرب شعر «pastoral» (روستایی و شبانی) معروف است که از نظر شکل متفاوت است ولی از نظر مضمون بی شباهت به اشعار فایز نیست.

فایز در تصویرگری از عناصر بومی و اقلیمی جنوب استفاده نموده است. در واقع آن عاملی که تصاویر شعری وی را زیبا و بدیع مینماید، همان عناصر بومی است که شاعر با آن ارتباط دارد و در ذهن خود به تصویر میکشاند و مخاطب را با آن آشنا میسازد. این تصاویر مانند آینه‌یی منعکس کننده فرهنگ و حال و هوای روستاهای جنوب و بخصوص دشتی و تنگستان میباشد. از پشت این تصاویر است که چهره فایز را به عنوان روستایی ساحل نشین میتوان دید.

که تا حدودی تسلی بخش آلام روستاییان است. روستایی خسته از کار و شرایط سخت اجتماعی، پناهگاهی میجوید و در پناه آوای شروه و زمزمه دوبیتی برای خود تسلی خاطر می‌آفریند. این پناه جستن برای فراموشی سختیها، آنگونه که در ادبیات سنتی مرسوم است به عرفان و ماورا نمی‌انجامد؛ اگرچه زمینی محض هم نیست، زیرا دوبیتی جنوب قالبی مردمی است که از زندگی عادی و زمینی مردم مایه میگیرد و مردم عادی نسبت به خداوند دیدگاهی صرفاً مذهبی، بدور از اصطلاحات و واژه‌های عرفانی خاص دارند. دوبیتی فایز را در لایبها نیز زمزمه میکنند و چون مضمون بسیاری از دوبیتیهایی او غم و اندوه میباشد، مرثیه‌خوانان نیز در مجالس ختم، اشعار فایز را در آوای شروه، با آهنگ خاص میخوانند.

فایز شاعری روستایی است که از خلال دوبیتیهایش چهره یک شاعر روستایی را میتوان دید. وی توانسته با توصیف،

کاربرد فرهنگ مردم در دوبیتیهایی فایز

عناصر فرهنگ معنوی	تعداد	درصد	عناصر فرهنگ مادی	تعداد	درصد
عشق	۳۴۷	۴۴	مشاغل، مسکن، پوشاک	۱۶	۲
درد و رنج	۷۵	۹/۵	سفر و غربت	۱۶	۲
عقاید و آداب و رسوم	۷۲	۹/۱	حیوانات	۱۵	۱/۹
مرثیه و هجران	۵۲	۶/۶			
مذهب و فرهنگ اسلامی	۴۷	۵/۹			
گذر جوانی و فرارسیدن پیری	۲۸	۳/۵			
مرگ و قیامت	۲۴	۳			
شکایت از بخت و فلک	۲۱	۲/۶			
وصف طبیعت	۱۷	۲/۱			
اساطیر	۱۵	۱/۹			
حکمتها و مثل	۱۲	۱/۵			
قسم نفرین و دعا	۱۱	۱/۳			
جمع	۷۲۱	۹۱		۴۷	۵/۹

منابع

- آتشی، منوچهر؛ «نقد ترانه‌های فایز»، مجله تماشا، سال سوم، شماره ۱۲۳، ۱۳۵۲.
- آریان‌پور، امیرحسین؛ جامعه‌شناسی هنر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: دانشکده هنرهای زیبا، چاپ اول، ۱۳۵۴.
- اورنگ، مراد؛ سروده‌های باباطاهر، تهران: ناشر مؤلف، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- بذلی، علی؛ فایز دشتستانی، محمدعلی؛ ترانه‌های روستایی و محلی حسینا و دلارا، تهران: انتشارات نیما، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- بهار، محمد تقی؛ بهار و ادب فارسی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- پارسانسب، محمد؛ جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
- پناهی سمنانی، احمد؛ ترانه‌های ملی ایران، تهران: ناشر مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف؛ برهان قاطع، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
- حبیبی، احمد؛ محیا شاعری از جنوب، شیراز: انتشارات نوید شیراز، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- حمیدی، جعفر؛ آیینة شروه سرایی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه، تهران: سازمان لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۵۲.
- ذوالفقاری، حسن؛ زبان و ادبیات عامه ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- رکن‌زاده آدمیت، محمد حسین؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تهران: انتشارات اسلامی، جلد چهارم، چاپ اول، ۱۳۴۰.
- راوندی، مرتضی؛ تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه، جلد هشتم، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- زنگویی، عبدالمجید؛ شعر دشتی و دشتستان، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- _____؛ ترانه‌های فایز، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان، مفاص اللغالی و منار اللیالی، تعلیقات احمد اقتداری، تهران:
- انتشارات جهان معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- شاملو، احمد؛ کتاب کوچک، تهران: انتشارات مازیار، جلد هفتم، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- شمیسا، سیروس؛ داستان یک روح، تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- _____؛ نگاهی به سپهری، تهران: انتشارات مروارید، چاپ ششم، ۱۳۷۴ (الف).
- _____؛ سیر رباعی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۴ (ب).
- صغیری، ایرج؛ کیهان فرهنگی، «فایز پدیده غریب ادبیات»، سال نهم، شماره هفتم، ۱۳۷۰.
- عسکری گزلاچیه‌بی، رضا؛ داستان و اشعار کامل حسینا و دل آرا، باقر و گلندام، فایز دشتستانی و پریزاد، تهران: انتشارات جان‌قربان، چاپ اول، ۱۳۴۹.
- عفیفی، رحیم؛ اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- غریب، رز؛ نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی، ترجمه نجمه رجایی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۸.
- فره‌وشی، بهرام؛ فرهنگ فارسی به پهلوی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۵۲.
- کوکر تز، یوزف؛ مسعودیه، محمد تقی؛ موسیقی بوشهر، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۵۴.
- کوهی کرمانی، حسین؛ هفتصد ترانه از ترانه‌های روستایی ایران، تهران: انتشارات روزنامه امید ایران، چاپ دوم، ۱۳۲۲.
- گورگین، تیمور؛ کلیات دوبیتی‌های فایز دشتستانی، تهران: انتشارات رشیدی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- لریمیر، دی. ال. آر؛ فرهنگ مردم کرمان، بکوشش فریدون وهمن، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۵۳.
- مهر افراز، هیبت‌الله؛ «یادی از فایز دشتستانی و شعرهای گرم او»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۸/۲۸.
- ناصح، محمد مهدی؛ دوبیتی‌های عامیانه بیرجندی، مشهد: انتشارات محقق، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- یاحقی، محمدجعفر؛ فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.



امروزه درآمدهای ناشی از صنعت توریسم و زیرمجموعه آن اکوتوریسم (گردشگری طبیعی)، سخت مورد توجه دولتها واقع شده است و برخی از آنها با اتخاذ سیاستها و برنامه‌های خاص، در جلب و جذب گردشگر و تبدیل گردشگری طبیعی به یک منبع درآمد، به موفقیت‌های قابل‌ملاحظه‌ای دست یافته‌اند. ظرفیتهای عظیم طبیعی در خلیج فارس و کرانه‌های آن، این گستره آبی را به یکی از جذابترین مناطق گردشگری دنیا تبدیل کرده است. در کنار ویژگیهای تمدنی و تاریخی خلیج فارس، سواحل و جزیره‌های آن بعنوان یکی از نابترین جلوه‌های آفرینش، بیانگر زیباییها و شگفتیهای طبیعت‌اند. همجواری بی‌نظیر دریا و خشکی در امتداد ساحل طولانی خلیج فارس، به همراه جزیره‌های کوچک و بزرگ، تنوع چشمگیری از محیط زیست گیاهان و جانوران آبی و خشکی‌زی را در آنجا رقم زده و نیز جذابیت قابل توجهی، مقابل دیدگان علاقمندان خود گشوده است. معرفی سواحل خلیج فارس (شنی، ماسه‌یی، مرجانی، صخره‌یی و...)، پدیده‌های زمین‌شناسی، گیاهان و جانوران آبی و خشکی‌زی، جنگلها و جاذبه‌های طبیعی و زیست‌محیطی دیگر که مقصد بسیاری از گردشگران طبیعت است و میتواند یک منبع درآمدزا، برای کشور محسوب شود، خالی از لطف نیست. بنابراین فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس بخشی از مطالب خود را به معرفی جاذبه‌ها و دیدنیهای طبیعی خلیج فارس و کرانه‌های آن اختصاص داده است.

